

پیکربندی یک قطعه موسیقی

پیمان حریقی

ساختار یک قطعه موسیقی به نحوه چینش بخشهای مختلف که در یک موزیک در کنار یکدیگر ترکیب میشوند اشاره دارد.

شما چه نوازنده باشید و چه بخواهید آهنگسازی کنید و یا علاقه مند به تولید موسیقی باشید لازم است ساختار یک قطعه موسیقی را درک کنید. این دانش با عث می شود در آهنگسازی و تنظیم نه تنها از یک اصول استاندارد پیروی کنید بلکه در روند کارتان تسریع ایجاد خواهد کرد.

در اینجا من سعی میکنم ابتدا اجرای تشکیل دهنده این ساختار را توضیح دهم.

ساختار موزیک به طور معمول از شامل **chorus verse** و **bridge** میباشد که به ترتیب زیر کنار یکدیگر قرار میگیرند:

intro, verse — chorus — verse — chorus — bridge — chorus — outro.

این به عنوان **ABABCB** شناخته میشود که **A** نشانه **verse** و **B** نشانه **chorus** و **C** نشانه **Bridge** است.

موزیکهای هیت شده و پاپ از این ساختار استاندارد استفاده میکنند. در حالی که موزیکهای اکسپریمنتال یا بداهه نوازان در اجراهای زنده ممکن است از این فرمول استفاده نکنند. اگر زمانی که آهنگی را برای اولین بار می شنویم برای ما آشنا به نظر می رسد، به این دلیل است که گوش های ما (بر اثر شنیدن زیاد موزیکهایی با این ساختار استاندارد) برای تشخیص متداول ترین ساختارهای آهنگ آموزش دیده اند. اما این بدان معنا نیست که ارزش تنوع در ساختار موزیک را نادیده بگیریم.

یک قطعه موسیقی شش بخش اصلی دارد:

Intro: شبیه به آغاز یک داستان یا فیلم است و در ابتدای آهنگ ظاهر می شود. مقدمه آهنگ که باید توجه مخاطب را جلب کند و باید به صورت ملایم و با نت های کمتری صورت گیرد. خواننده یا گروه کر در اینترو اجرا ندارند. در اینترو هدف ایجاد علاقه در شنونده و تشویق او برای دامه شنیده قطعه است. اینترو معمولاً چهار میزان یا کمی بیشتر و کمتر است. تحقیقات نشان داده که ۳۵ درصد شنوندگان در سی ثانیه اول تصمیم میگیرند که آهنگ را بشوند یا آنرا رد کنند. اهمیت اینترو در اینجا مشخص می شود. برخی اینترو را مانند سلام کردن و دست دادن تشبیه میکنند که به نوعی اشتیاق و علاقه دو طرف در ادامه روابطشان نشان میدهد. اینترو زمینه را برای شروع قسمتهای دیگر موزیک و رابطه با مخاطب فراهم می آورد. راه های زیادی برای ساخت اینترو وجود دارد مثلاً یک پاساژ درام یا یک آکورد بدون صدای درام یا آرپژ پیانو یا گیتار یا صدای سینتی سایزر که کم کم به سمت ورس آهنگ پیش میرود و یا هیچکدام از موارد گفته شده

Verse: فرصتی برای گفتن داستان است و مخاطب متوجه می شود که داستان از چه قرار است. میتوان آنرا به «یه روزی ...» در ابتدای داستانها تشبیه کرد. همه ما داستان پینوکیو را شنیده ایم من اگر «یکی بود یکی نبود» را اینترو نامگذاری کنم باید بگویم «روزی روزگاری پیرمرد نجاری به نام ژپتو یک عروسک چوبی ساخت و اسم آنرا پینوکیو نامید» این جمله ورس است.

عموما در یک آهنگ چند ورس وجود دارد که اشعار متفاوتی روی آن اجرا میشود اگرچه میتواند ملودی های آنها یکسان باشد. و ما با هر ورس اطلاعات بیشتری درباره داستان به دست می آوریم. ورس اول با ورس دوم میتواند کاملا متفاوت باشد چه در ترانه چه در ملودی و چه در سازبندی. بنابراین ورس دوم در تکمیل ورس اول می آید. ورس به شنونده میگوید که موزیک درمورد چیست؟ به عبارت دیگر ورس به شنونده احساسات آهنگ القا می شود. و آهنگ را به جلو میبرد تا شنونده را برای کورس آماده کند. اگر کورس را به پادشاه تشبیه کنیم ، ورس حمل کننده تخت شاهی هستند.

Pre-chorus: پری کورس در موزیک ضروری نیست و اغلب از ورس و کورس کوتاهتر است. اما از طرفی به افزایش تاثیر کورس کمک میکند و از طرف دیگر به شنونده میگوید که موزیک میخواهد وارد کورس شود و شنونده را برای کورس آماده می کند. پری کورس با یک ملودی حل نشده به پایان میرسد در نتیجه در مخاطب انتظار ایجاد میکند. و کورس باید به این انتظار پایان دهد. پری کورس تاثیرگذاری کورس در شنونده را بیشتر می کند.

Chorus: کورس ایده اصلی آهنگ با بیادماندنی ترین ملودی و شعر است. قسمت اوج موزیک در کورس است و نتیجه کار سازنده اثر در کورس دیده میشود به عبارت دیگر نقطه اوج ایده ها و خلاقیت خالق اثر در کورس است. پیام و موضوع اصلی آهنگ در کورس به شنونده ارائه می شود. برخی کورس را جلب کننده و وسوسه کننده مخاطب می نامند. کورس باید به گونه ای باشد که مردم و شنوده با خواننده همراهی کنند و بخوانند. کورس باید بهترین و جذابترین بخش آهنگ باشد چیزی که شنونده منتظر شنیدن آن بود. اگر شنونده با کورس جلب نشد دیگر به سراغ آن موزیک نمیرود. در بسیاری از موارد عنوان و نام آهنگ ترجیح بندی است که در کورس تکرار میشود. مثلا آهنگی به نام **let it be** از گروه بیتلز ، ترجیح بند **let it be** چندین و چند بار تکرار میشود.

Bridge: بریج همانگونه که از نامش پیداست (بریج به معنای پل) وظیفه دارد شنونده را از یک بخش به بخش دیگر آهنگ ببرد. معمولا یکبار در انتهای آهنگ و بین کورس دوم و سوم ایجاد میشود. بریج باید تضادی نسبت به ورس ها و کورس ها داشته باشد. این تضاد کمک میکند که موزیک تکراری به نظر نرسد. بریج نه تنها اشعارش با ورس و کورس متفاوت است بلکه لحن موسیقایی کار نیز تغییر میکند و متفاوت به نظر میرسد و معمولا از آکوردها یا ملودی متفاوت استفاده میشود. در نتیجه نمیگذارد ورس و کورس آهنگ تکراری شود. بریج به تم و ایده اصلی آهنگ زاویه جدیدی میدهد. اگر ورس، آهنگ را آماده میکند که وارد ایده اصلی (کورس) داستان شود، بریج به آن ایده اصلی زاویه میدهد. ورس در یک آهنگ ضروری است درحالیکه بریج اختیاری است. بریج قبل از کورس آخر می آید و شنونده را برای اوج پایانی کار آماده می کند.

Outro: مانند اینترو است و همانگونه که از نامش پیداست قسمت پایانی آهنگ است. آوترو باید به وضوح به شنونده نشان دهد که آهنگ رو به پایان است که با روشهای مختلفی انجام میگیرد مثلا در برخی مواقع آوترو تکرار کورس است با حالت آهسته محوشدگی (fade out)

حالا میتوانیم درباره کنار هم قرار گرفتن این بخش‌ها مثل یک پازل در یک قطعه موسیقی صحبت کنیم.

راه‌های زیادی برای پیکربندی یک قطعه موسیقی وجود دارد اما رایجترین آنها بدین گونه است

Verse – Chorus – Verse – Chorus (ABAB)

Verse – Chorus – Verse – Chorus – Bridge – Chorus (ABABCB)

Verse – Pre-Chorus – Chorus – Verse – Pre-Chorus – Chorus (ABAB)

Verse – Verse – Bridge – Chorus (AACB)

و به صورت تکمیلی اگر از اینترو و پری کورس و آوترو که اختیاری هستند بگذریم ، میتوان حالت‌های زیر را داشت:

ABA

AABA

ABAB

ABABCB

ABABCAB

ABABCBAB

ABABCBCB

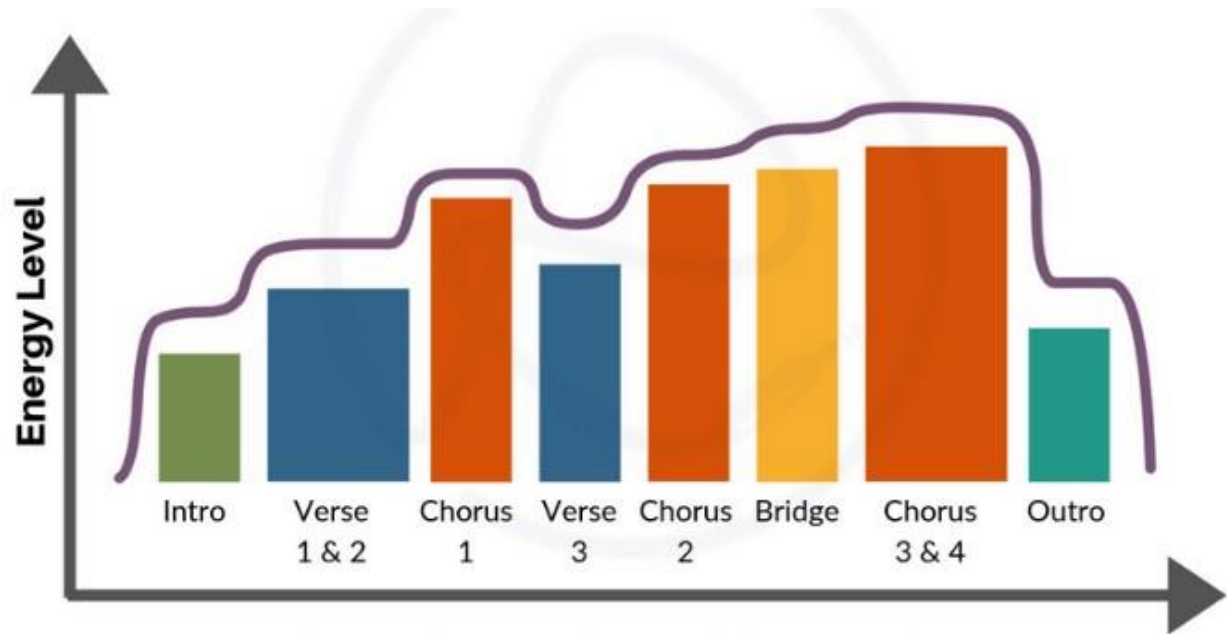
ABABCABCAB

که البته میتوان به ابتدا و انتها و میانه آن اینترو و آوترو و پری کورس را هم اضافه کرد

در هر صورت سازنده یک اثر موسیقایی جعبه ابزاری شامل شش عنصری که شرح داده شد در اختیار دارد که میتواند به هرگونه ای آنان را کنار یکدیگر بچیند.

به هیچ وجه نمی‌توانیم بگوییم یک قطعه موسیقی خوب کدام ساختار را دارد و همه چیز بستگی به ایده ها و خلاقیت‌های ذهنی ، سلیقه موسیقایی سازنده ، احساسات و قدرت تشخیص سازنده دارد. مهم این است که موزیک باید یک روند و جریان را طی کند.

از طرف دیگر وقتی به ساختار آهنگ میرسیم بد نیست این نکته را هم اضافه کنم که هر کدام از بخش ها چه میزان انرژی در آهنگ دارند. در یک قطعه خوب سازندگان سعی می‌کنند سطح انرژی در طول قطعه یکسان نباشد زیرا برای شنونده خسته کننده می‌شود. در بیشتر موارد کورس بیشترین انرژی را دارد. به نظر من نمودار زیر گویای همه چیز است.



منابع

ترجمه آزاد از :

<https://www.masterclass.com/articles/songwriting-101-learn-common-song-structures>

<https://www.fender.com/articles/techniques/parts-of-a-song-keep-it-straight>

<https://www.careersinmusic.com/song-structure/>

<https://www.renegadeproducer.com/song-structure.html>